



کنکور پول خوار

بررسی درصد قبولی رتبه‌های برتر از مدارس خاص



فراخوان همکاری با نشریه فرهنگی و اجتماعی حلما

جذب نیروی فعال و بارو حیه کار تیمی برای فعالیت در تیم نشریه

نشریه دانشجویی حلما از معلمان خوش ذوق دعوت به عمل می‌آورد تا در زمینه‌های:

■ ورزشی ■ خبرنگاری ■ ادبی ■ هنری ■ گویندگی ■ طراحی ■ نویسندگی ■ عکاسی ■ متون طنز
■ ویراستاری ■ نقد ادبی و هنری ■ حمایت از جایگاه زنان ایرانی ■ دفاع از هویت ملی

به ما پیوندند.

| جهت کسب اطلاعات بیشتر به شبکه‌های مجازی نشریه حلما مراجعه نمایید |



Instagram.com/Helma_mag



T.me/Helma_mag

بسم الله الرحمن الرحيم



بیانات رهبر انقلاب

در اجتماع یکصد هزار نفری بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س)

چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایطی باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده‌ی خود استفاده کند، این ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود؛ یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار نگیرد این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می‌کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می‌شود، نتواند از فرزند خود بهره‌ی عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد اما نمی‌گذرانند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است.

۱۳۷۶/۷/۳۰ - ورزشگاه آزادی

سخن سردبیر

به نام آن که نام از او نشان یافت *** زبان آموخت حرف و نطق جان یافت

با غرق شدن در هیاهوی زندگی دریافتم هر آمدنی رفتی دارد و هر سلامی هم رنگ و بوی خدا حافظی.

پس این بار قلمم رانه برای گفتن سلامی شیرین بلکه برای وداعی تلخ تکان می دهم و ایزدمنان را برای این مدتی که میهمان لحظاتتان بودیم شکر می کنم.

و این بار فراغت از تحصیل موجب شد که تیم حلما از این پس با اعضای فعال و جدید همراه شما باشد و افتخار بودن در لحظات نابتان از اعضای قدیمی گرفته و به افراد تازه نفس، پیشکش گردد.

با قلبی آکنده از اندوه بابت وداعمان از نشریه، آرزوی پیشرفت روزافزون شما مخاطبان همیشگی و حلما را داریم و آخرین شماره‌ی همراهی مان را به رسم عادت تقدیم به نگاه پرفروغتان می کنیم.

...
یا حق



سردبیر نشریه فرهنگی و اجتماعی حلما
زهرا اسلام پناه

دست اندرکاران این شماره

مدیر مسئول:

فرانک آرامی

سر دبیر:

زهرا اسلام پناه

طراح جلد و صفحه آرا:

استودیو طراحی گرافیک
۰۹۱۸۸۸۴۹۱۷۵
۱۳۹۸

مدیر بخش فرهنگی:

زهرا رحمانیان

مدیر بخش علمی:

زهرا فروغی

مدیر بخش اجتماعی:

مهدیه قدوسیان

مدیر بخش ادبی:

زهرا عرفانیان

مدیر بخش مطالعات زنان و خانواده:

مریم سادات سادات الحسینی

ویراستاران:

حسین جعفری، فاطمه ابن علی

مدیر روابط عمومی:

هدا خرسندی

گوینده:

محمد رضا اقبالی

هیات تحریریه این شماره:

فرانک آرامی، زهرا اسلام پناه، لیلا

ابوطالبی، زهرا رحمانیان، مریم سادات

سادات الحسینی، مهدیه قدوسیان، زهرا

عرفانیان، فائزه طاهری، مهدی کیانی

فهرست مطالب

۶ زنان عاشورایی و جهاد تبیین

حماسه های زنان در واقعه عاشورا

۱۲ داستان کوتاه

جنگ های بی پایان

۱۷ طعم تلخ وداع

دلنوشته ای از جنس وداع

۱۳ کربلا و ظهور

شعر حسینی و انتظار ظهور

۱۸ بفرمایید کتاب

بررسی کتاب روزی که زندگی کردن آموختم

۸ تزریق مسکن یا علاج درد؟!

تدریس ورودی های ۹۸ در مهرماه ۱۴۰۱

۱۴ کنکور پول خوار

بررسی قبولی مدارس خاص در کنکور

۱۹ اینفوگراف

ممنوعه های شغل معلمی

۹ نقطه پایانی بر دانشگاه فرهنگیان

فارغ التحصیلی ورودی های ۹۷

۱۰ خشونت های نهفته

کلاس های تابستانی؟ آیا لازم است؟

۱۵ چرا برخی نوجوانان یک روز عاشق و روز دیگر فارغ می شوند؟

عشق دوران نوجوانی؛ گذر یا ماندگار؟

واقعۀ عاشورا گرچه در حقیقت تلخ و جانسوز است اما در درون خود تابلوی زیبایی از آزادی، شناخت انسان‌ها و همچنین بزرگی مقام زن است. یکی از جریان‌های مؤثر در پیشرفت نهضت عاشورا، حضور قوی و مؤثر زنان بود که به گونه‌ای، قلم بطلان بر کج‌اندیشی‌های جامعۀ آن روزگار درباره زنان کشیده شد. زنان در کربلا نشان دادند که تکلیف اجتماعی خاص مردان نیست؛ بلکه آنان نیز در برابر وظیفه شرعی خود، باید به جریان‌های اجتماعی توجه کنند.

در پاسخ به این پرسش که چرا زنان در کربلا حضور داشتند، چند نظریه مطرح می‌باشد ولی به نظر می‌رسد مناسب‌ترین پاسخ به این پرسش این باشد که امام حسین علیه السلام با علم به شهادتش، برای ادامه قیام، تحقق اهداف خود، رسوا کردن بنی‌امیه و جلوگیری از انحراف امت و تحریف حقیقت، زنان و کودکان را با خود همراه کرد.

با توجه به اینکه هدف امام حسین علیه السلام، اصلاح امت، بازگرداندن آن به سنت پیامبر اعظم (ص) و آشکار کردن فساد حکومت بنی‌امیه به‌ویژه یزید بود، آن حضرت باید با نقشه‌ای دقیق و حساب‌شده به مردم دنیا ثابت می‌کرد که آن‌ها نمی‌خواهند کسی از خاندان پیامبر زنده بماند و با اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، بدتر از اسیران، مشرکان و کفار رفتار می‌کنند. این هدف، با توجه به شدت انحرافی که در جامعۀ پدید آمده بود، جز با قیامی خونین و سرمایه‌گذاری کلان امکان‌پذیر نبود. از این رو امام می‌بایست علاوه بر کشته‌شدن،



زنان عاشورایه و جهاد تبیین

مریم السادات
سادات حسینی

۵. پرستاری

از دیگر وظایف بانوان، پرستاری از بیماران، مجروحان و کودکان بود. پیش از واقعه، مراقبت از بیماران کاروان را بر عهده داشتند؛ چنان که در شب عاشورا و پس از واقعه عاشورا، زینب سلام الله علیهها سرگرم پرستاری از امام زین العابدین علیه السلام بود. وی پس از شهادت امام حسین علیه السلام و در زمان اسارت نیز با وجود آشفتگی شدید روحی، نگهداری کودکان و مراقبت از آنها را عهده دار شد.

مؤثرترین عاملی که در پیشرفت هدف امام حسین دخیل بود، همراه آوردن و شرکت زنان در این نهضت عظیم دینی بود. اگر امام حسین بایک عده از یاران و وابستگان خود به کوفه می رفت و شهید می شد، بلافاصله دستگاه های تبلیغاتی بنی امیه که در همه جا آماده و مجهز بودند و تمام پیشامدها را به نفع آنها توجیه می کردند، به کار می افتادند. بر اثر تبلیغات سوء بنی امیه، مردم این قیام و جنگ را از جنگ های معمولی میان اعراب تلقی می نمودند و باز بنی امیه در کرسی سلطنت قرار می گرفت. اما شرکت بانوان در این قیام، اجازه نداد که نقشه شوم بنی امیه عملی شود.

جاودانگی عاشورا پس از چهارده قرن، حاصل کار همین بانوان بازمانده بود که اجازه نداد این واقعه در صحرای خشک و سوزان کربلا دفن شود و از یاد برود. شهید مطهری در این باره می فرماید: «تاریخ کربلا یک تاریخ مذکر- مؤنث است. حادثه ای که مرد و زن هر دو در آن نقش داشته اند، ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش».

پیام الهی خود را نیز به گوش تمام مسلمانان و حتی تمام دنیای رساند. دستیابی به این هدف، با ادامه نهضت پس از شهادت ممکن بود و امام حسین علیه السلام با آگاهی از این نکته، اهل بیت خود را به کربلا برد. در این میان، بانوان اهل بیت علیهم السلام به رهبری زینب کبری سلام الله علیها اجازه ندادند جنایت های بنی امیه پنهان بماند و حاملان صدیق رسالت عاشورا، نهضت کربلا را زنده نگه داشتند. بدون تردید، زنان در واقعه کربلا نقش انکارناپذیری داشتند که مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. تشویق مردان به جهاد

حضور برخی مردان را باید مرهون فداکاری و تشویق زنان دانست. همچنین صبر و استقامت زنان کاروان حسینی و شکیبایی آنان در فراق عزیزان، یکی از عوامل تشویق مبارزان بود.

۲. تقویت روحی صبر و استقامت

زنان حاضر در کربلا با وجود شهادت نزدیکان خویش، نه تنها خود پایدار و استوار ماندند، بلکه دیگران را نیز در این راه دلداری دادند. زینب کبری سلام الله علیها زمانی که از شهادت علی اکبر باخبر شد، در حالی که صدامی زد: «و احببناه و ابن اخیاه»، برای دلداری حسین علیه السلام به استقبال او شتافت.

۳. جهادگری و رزمندگی

در روز عاشورا، برخی زنان همانند مردان وارد صحنه کارزار شدند که از جمله می توان به همسر عبدالله بن عمر کلبی اشاره کرد. او دو بار در میدان نبرد حاضر شد و شجاعت و رزمندگی خود را در مقابل مردان سپاه یزید به نمایش گذاشت.

۴. دفاع از امامت و خاندان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

از گفتار و رفتار زنان حاضر در کربلا می توان میزان همت آنان را در دفاع از امامت دریافت. در آخرین لحظه ها، هنگامی که شمر قصد بریدن سر مبارک امام را داشت، زینب سلام الله علیها به امید نجات جان امام یا برای اتمام حجت، بر سر عمر سعد فریاد زد: «آیا حسین کشته شود و تو نظاره گر باشی؟»

همچنین در مجلس ابن زیاد، هنگامی که وی قصد کشتن علی بن الحسین علیه السلام را داشت، زینب کبری سلام الله علیها مانع این اقدام ابن زیاد شد. او خود را سپر امام کرد و در خطاب به ابن زیاد گفت: «به خدا سوگند آنچه از خون های ماریختی کافی است! از او جدانی شوم تا مرا نیز با او بکشی». ابن زیاد نیز از این تصمیم منصرف شد.

تزریق مسکن یا علاج درد؟!

منتشر شده در خبرگزاری دانشجو

فرانک آرامی



در پی تزریق مسکن نه علاج درد!

تامین منابع انسانی آموزش و پرورش از دهه های گذشته مورد توجه مسئولین و نهادهای مختلف بوده است؛ اما بحث اصلی درباره میزان کارایی و کیفیت اقدامات صورت گرفته در این خصوص است. طبق برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب سال ۸۹، شیوه ها و راهکارهایی برای تامین نیروی انسانی آموزش و پرورش صورت می گیرد؛ به طوری که در سال ۹۰ رتبه بندی حرفه ای معلمان و ساماندهی جذب و تامین نیروی انسانی در هیئت وزیران تصویب می شود. ولی به دلیل قرار داشتن در ماه های پایانی دولت، فرصتی برای اجرای آن ها توسط دولت وقت فراهم نمی شود. همچنین پذیرش مهارت آموز از میان فارغ التحصیلان سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور به استناد ماده ۲۸ در اساس نامه دانشگاه فرهنگیان در قانون مدیریت خدمات کشوری از سال ۹۴ اجرایی می شود.

در برنامه پنج ساله ششم توسعه، مصوب سال ۹۵، مهندسی نیروی انسانی و جذب معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی لحاظ می شود؛ ولی اقدامی در خصوص مهندسی نیروی انسانی صورت نمی پذیرد. ظرفیت دانشگاه فرهنگیان بسیار کمتر از نیاز آموزش و پرورش بوده و اقدام موثری برای توسعه این ظرفیت صورت نمی گیرد. دولت نیز بدون توجه به ظرفیت دانشگاه فرهنگیان به استفاده از راهکار خرید خدمات آموزشی و ارائه پیشنهاد برای گسترش آن به صورت سالانه اقدام می کند.

تدریس قطعی و اجباری ورودی های ۹۸ دانشگاه فرهنگیان از مهرماه سال ۱۴۰۱ با وجود تمام نشدن دوره آموزشی چهار ساله آن ها و نیز استخدام بیش از ۳۸ هزار نفر در آزمون استخدامی آموزش و پرورش در سال جاری، تصمیم هایی است که همگی به گفته مسئولین وزارت آموزش و پرورش در جهت جبران کمبود شدید نیروی انسانی و در راس آن معلمان اتخاذ شده است.

زنگ خطر این مسئله در واقع از سال ۹۷ به صدا در آمد. در سال ۹۷ با گزارش معاونت امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه پیش بینی می شود که جمعیت بازنشستگان آموزش و پرورش تا سال ۱۴۰۶، ۴۶۳ هزار و ۲۷۲ نفر خواهد بود؛ یعنی بیشترین میزان بازنشستگی معلمان در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ صورت می پذیرد.

پس از انتشار این گزارش راهکارهایی مانند افزایش پذیرش دانشگاه های فرهنگیان، نیروهای خرید خدمات، جذب افراد از طریق دوره مهارت آموزی یک ساله به سیستم آموزش و پرورش و تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس از سوی افراد، برای جبران کمبود معلم مطرح می شود.

این راهکارها از سال ۱۳۹۷ به اجرا در می آیند؛ به طوری که در مورد دانشگاه فرهنگیان شاهد آن هستیم که پذیرش این دانشگاه از ۹ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به ۲۴ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ می رسد و اکنون این رقم در سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰ به ۲۵ هزار نفر رسیده است.

در زمینه جذب افراد از طریق دوره یک ساله مهارت آموزی از طریق آزمون های استخدامی از رقم جذب پنج هزار نفر در سال ۹۶-۹۷ به دوازده هزار نفر در سال ۹۷-۹۸ می رسیم و این رقم در سال ۹۹-۱۴۰۰ به ۲۷ هزار نفر رسیده است.

همچنین در سال ۹۷-۹۸ آموزش و پرورش ۲۴ هزار نفر را از طریق نیروی خرید خدمات در آموزش و پرورش جذب کرده است که در سال ۹۹-۱۴۰۰ این رقم به ۲۷ هزار نفر رسید.





لیلا ابوطالبی

نقطه پایانی بر دفتر دانشگاه فرهنگیان

در مورد فرهنگیان از فارغ التحصیلان این دانشگاه سؤال نکنید، چون تصویری از هلفدونری رادر ذهن شما نقش خواهند بست! فرا از مشکلات رفاهی و آموزشی، اسیر بودن زیر چکش گزینش و حراست حتی برای بیان عقیده‌ی شخصی گل سرسبد فرهنگیان بوده است و امیدوارم نخواهد بود!

● اگر از ناله و فغانی که از شرایط فرهنگیان کردم و ذهن مبارکتان را مکدر نمودم، فاکتور بگیریم که از قدیم الایام گفته‌اند **(عشق با دانش متمم می‌شود هرکه عاشق شد معلم می‌شود)** از همین پله‌ی اول معلمی که حضور در دانشگاه فرهنگیان است بگیر تا امضا کردن فرم بازنشستگی پر است از مشکلات و دشواری‌هایی که متأسفانه توان معلمان سرزمین را بریده است! که چیزی جز عشق به تعلیم و به پرواز در آوردن ذهن دانش آموزان از قفس جهل نمی‌تواند این همه معمایا بهتر بگویم مشکلات را حل و هضم کند.

● در آخر توصیه‌ی من به داوطلبان کنکور این است که اگر واقعاً عشق به تعلیم و تعلم در رگ‌های قلبتان رخنه کرده است دانشگاه فرهنگیان را بنید. برای عبور از این مسیر صعب العبور حتماً به نیروی عشق و علاقه نیازمند خواهید بود.

● در آخر آرزوی روزی را می‌کنم که دانشگاه فرهنگیان رنگ بهبود بگیرد و از لحاظ کیفیت خود را به سطح دانشگاه‌های برتر کشور برساند و موتور آموزش و پرورش به سمت پیشرفت حرکت کند و دیگر مشکلات معیشتی دست‌وپای معلمان سرزمین را برای حضور هرچه بهتر در کلاس درس نبندد! آمین...

● از قدیم الایام گفتند از هرچه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است. سفر چهارساله‌ی ما در سرزمین عجایب یا همان فرهنگیان به ایستگاه آخر رسید؛ سفری که ضربانش نمودار سینوسی بود. بودن در کنار دوستان ناب‌آن را به نوک قله می‌برد و مشکلات عیدیه‌ی دانشگاه، آن را به قعر نمودار سقوط می‌داد. ● از بریدن نفس دانشجو پشت در سامانه‌ی گلستان بر سر تایید واحد تا خیره ماندن به انتهای صف طولانی برای گرفتن غذایی که کیفیتش تسمه‌ی هرچه استاندارد و سالم بودن را بریده بود. از صرف کردن فعل چپانده شدن در اتاق‌های ۱۴ الی ۱۸ نفره تا هضم کردن واحدهایی که گاهی نه برای دنیا و نه برای آخرت سودی ندارند، بلکه جز پرکردن زمان استاد برای کسب روزی بود. این پرسش بعد فارغ التحصیلی بیشتر در ذهن‌های دانشجو معلمان رژه می‌رود که از سرزمین فرهنگیان چه برایمان آورده‌ای مارکو! و قریب به اتفاق به این نتیجه می‌رسند جز واحد کارورزی هیچ آذوقه‌ای ندارند که به درد تدریسشان بخورد! نه مهارتی برای حل چالش‌های کلاس درس و نه سوادی برای آموزش کاربردی مطالب کتب درسی! البته کرونا هم تیشه به ریشه‌ی آموزش نه چندان قوی فرهنگیان زد! لااقل قبل کرونا مطالب جسته گریخته‌ای از کلاس درس نصیب دانشجو می‌شد. در زمان کرونا که سامانه‌ی LMS با تمام مشکلات، گریبان‌گیر دانشجو شد. کارورزی که به جرئت تنها دستاورد مهم دانشجو معلم بود مجازی شد! عین همان موضوع انشا که تابستان خود را چگونه گذراندید! قریب به اتفاق ریسمانی از بافتدگی ذهن دانشجو معلمان از کلاس خیالی! ● اگر داوطلب کنکور سراسری هستید هیچ وقت



سوختن روح دانش‌آموزان در آفتاب تابستان

مهدیه قدوسیان

طبق نظر دکتر سادات، کلاس‌های تابستانی می‌توانند فوایدی برای کودکان داشته باشد. مهم‌ترین نکته این است که کلاس‌های تابستانی کمک می‌کنند تا اوقات فراغت کودکان به بطالت نگذرد و با توجه به علایقشان، بتوانند مهارتی کسب کنند. علاوه بر این، کلاس‌های تابستانی می‌توانند در رشد، کسب مهارت و خلاقیت آن‌ها تأثیرگذار باشند.



دکتر سما سادات
مشاور، روانشناس تربیتی

شرکت در کلاس‌های تابستانی، در فعال نگه داشتن ذهن و پیشرفت تحصیلی کودکان در سال آینده تأثیرگذار است. البته در صورتی که آن کلاس‌ها مطابق با علاقه، استعداد و انگیزه کودک باشد.

ایجاد نظم و الگوی زندگی سالم، از دیگر نکات مهم کلاس‌های تابستانی است که دکتر سادات در این باره می‌فرماید: «در ایام تابستان به دلیل کاهش فعالیت کودکان، میزان چاقی در آن‌ها دو برابر می‌شود و اینجاست که کلاس‌های تابستانی به ویژه کلاس‌های ورزشی، می‌توانند کودکان را فعال و پویا نگه دارند». وی ادامه

دکتر سادات شرکت در کلاس‌های تابستانی را در پیشرفت تحصیلی تأثیرگذار می‌داند و می‌گوید: «این مهم است که کودکان در طول تعطیلات طولانی تابستان، ذهنشان را فعال نگه دارند تا با شروع سال تحصیلی دچار مشکل نشوند. کودکانی که در تابستان به هیچ عنوان فعالیت ذهنی ندارند، در طول سال تحصیلی تا یک سوم از آموخته‌های خود را از دست می‌دهند؛ به همین دلیل است که معمولاً معلمان، چهار تا شش هفته ابتدایی سال تحصیلی جدید را، صرف آموزش مجدد مطالبی می‌کنند که دانش‌آموزان در تابستان فراموش کرده‌اند. بنابراین



می‌دهد: «افزایش مهارت‌های اجتماعی، مهارت دوست‌یابی، افزایش اعتمادبه‌نفس و شکوفایی استعدادها از دیگر تأثیرات مثبت کلاس‌های تابستانی بر کودکان است». از طرفی بعد از نه ماه تحصیل، با تعطیلات تابستانی کودک شما هیجان‌زده است که چند ماه بدون نگرانی از انجام تکالیف، می‌تواند بازی و استراحت کند. تماشای بی‌پایان تلویزیون، فیلم‌های موردعلاقه و بازی‌های موبایلی و آنلاین از جمله برنامه‌هایی است که کودکان در ایام تعطیلات، وقتشان را با آن‌ها سپری می‌کنند. اما از آنجایی که این مسئله بخشی از نگرانی و دغدغه والدین است، آن‌ها ترجیح می‌دهند اوقات فراغت فرزندشان را با کلاس‌های تابستانی پر کنند.

عدم برنامه‌ریزی والدین و آزاد گذاشتن کودکان در اینکه هر زمان می‌خواهند بخورند و بخوابند و بیدار شوند، باعث به هم خوردن ساعات خورد و خوراک کودکان شده و حتی سلامت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. از طرف دیگر، پرکردن تمام اوقات تعطیلات کودکان با کلاس‌های مختلف، آن‌ها را خسته و بی‌انگیزه می‌کند.



دکتر الهه میرآخوری
مشاور، روانشناس تربیتی

معایب به جای مزایا:

اگر اوقات فراغت کودکان و نوجوانان با کلاس‌های مختلف کاملاً پر شود، چه تبعاتی برای آن‌ها دارد؟ الهه میرآخوری، روانشناس تربیتی و مدرس دانشگاه، در ارتباط با لزوم استعدادسنجی برای پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان می‌گوید: «والدین نباید تمام ساعات فراغت دانش‌آموزان را در تابستان صرف کلاس‌های تابستانی کنند، زیرا در این صورت کودک یا نوجوان اوقات فراغتی نخواهد داشت و هنگام حضور دوباره در مدرسه، کارایی لازم را ندارد. همچنین نباید با صرف زمان و هزینه زیاد، اقدام به استعدادسنجی دانش‌آموزان کرد. والدین باید پیش از ثبت‌نام در کلاس‌های تابستانی، استعداد و علایق

فرزندانشان خود را شناسایی کرده باشند». اغلب والدین از ابتدای تابستان، اقدام به ثبت‌نام دانش‌آموزان در کلاس‌های مختلف می‌کنند و این یکی از اشتباهات رایج در مورد اوقات فراغت کودکان و نوجوانان است. بنابراین به جای آنکه کودکان را از اشتغال‌های ذهنی فارغ کنند، آن‌ها را دوباره درگیر کلاس‌های فوق برنامه می‌کنند. در واقع هنگامی که از اوقات فراغت سخن می‌گوییم، منظور رها شدن دانش‌آموزان از اشتغالات ذهنی و آموزش‌های رسمی و اجباری دوره مدرسه است.

بنابراین هنگامی که آن‌ها را در فصل تابستان درگیر آموزش رسمی و اجباری می‌کنیم، حتی اگر علاقه به آن کلاس برای آن‌ها وجود داشته باشد، هیچ نوع فراغت و رفع خستگی در دانش‌آموزان رخ نمی‌دهد. اگرچه احتمالاً دانش‌آموزان در ابتدا علاقه‌مند به حضور در این کلاس‌ها هستند، اما به مرور از آن‌ها خسته می‌شوند. بنابراین یکی از اشتباهات رایج در مورد سپری کردن اوقات فراغت برای کودکان و نوجوانان، آن است که تنها راه گذراندن اوقات فراغت را حضور در کلاس‌های مختلف تابستانی بدانیم.

سخنی با والدین:

«ثبت‌نام در کلاس‌های تابستانی تا اندازه‌ای خوب است که به کودک فشار وارد نکند. کودک باید برای لذت بردن از انجام کارهایی مثل بازی و تفریح که در ایام مدرسه امکان آن‌ها وجود ندارد، وقت آزاد داشته باشد. اینکه برخی والدین به بهانه یادگیری تعامل با دیگران، فرزندشان را در کلاس‌های متعدد ثبت‌نام می‌کنند، اشتباه است. حتماً لازم نیست فرزند شما با شرکت در کلاس‌های مختلف مهارت کسب کند، بلکه با رفت و آمد با دوستان هم‌سن و سال نیز برخی مهارت‌ها از جمله مهارت اجتماعی قابل یادگیری است. واقعیت این است که خیلی از کلاس‌ها فایده لازم را ندارند و تنها باعث بی‌انگیزگی و وارد کردن فشار روانی به کودک می‌شوند و این به نوعی هدر دادن پول است».

به گفته دکتر سادات، ثبت‌نام در کلاس‌های متعدد، به خصوص کلاس‌هایی که کودک انگیزه و علاقه‌ای برای شرکت در آن‌ها ندارد، فشار روانی مضاعفی را به او وارد می‌کند. در چنین شرایطی ممکن است کودک به اجبار در کلاس‌ها حضور فیزیکی پیدا کند اما عملاً بهره‌ای نخواهد برد؛ در نتیجه به جای آنکه وقت کودک به طور مثبت استفاده شود و با حضور در این کلاس‌ها بهره‌وری بالایی کسب کند، نتیجه معکوسی خواهد داشت».

جنگ هاء بے پایان

زهرا اسلام پناه، مهدیه قدوسیان

دیگر داشت بی انصافی می کرد، وقتی که می دانست هر چه می کشم به خاطر سرکوفت های خودش هست. اگر به جای این همه غرزدن یک بار من را بغل می کرد و چاره ای به من نشان می داد، الان یک دختر خسته و شکست خورده را نمی دید. موهای مواجم را از جلوی پیشانیم کنار زدم و با بغضی که سعی در خوردنش داشتم، چشم تو چشم به او گفتم: «حسرت به دلم موند که یه بار! فقط یه بار! به جای این که هر روز بیای و رو اعصاب من بری و یه درد بشی رو بقیه دردام، مثل بقیه دستم و بگیر و ببری کافه، یه فنجان قهوه مهمونم کنی، قربون صدقه من بری و بهم ثابت کنی مهم ترین دغدغه ت آرامش منه! اصلا می دونی چیه؟ ای کاش می شد تو رو هم روی همه اون موقعیت ها از دست می دادم ولی حیف که تو غل و زنجیر شدی به پام؛ طوری که حتی نمی تونم از جام بلند شم!»

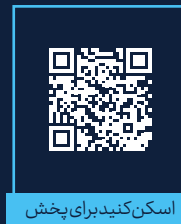
اشک های بی وقفه ام دیدم را تار کرده بود. سوزش معده امان فکر کردن را بهم نداد؛ آن قدر که فرصت شکایت دوباره را بهش ندادم. عینکم را بالا زدم، با دو دستم به سینه اش کوبیدم و او را به عقب هل دادم. گرمی خون را روی دستم حس کردم. صدای قدم های تند مادرم در پله ها، توی گوشم زنگ می زد. بدون درزدن وارد اتاق شد و وحشت زده پرسید: «باکی دعا می کردی؟! یا حسین، چرا دستات پر خون شده؟!» بعد از این حرف دنیا دور سرم می چرخید، مادرم محکم بر صورتش می کوبید و من بابتی حالی، زیر لب این بیت بیدل را زمزمه کردم:

در خانه هیچ کس نیست
آینه است و ما ایم

انگار نیت کرده بود تمام حرص های عالم را بر سر من خالی کند. سرم را پایین انداختم. فریادش بند بند دلم را به لرزه انداخت و بالحن تند خود گفت: «چیه، می ترسی به چشمام نگاه کنی؟! می ترسی ببینی چجوری به تنه همه چی و خراب کردی؟!» عصبانیتش به قدری بود که اگر پتکی داشت، بر سرم می کوبید! بلندتر فریاد زد: «اصلا تا حالا به این فکر کردی که چقدر به درد نخوری؟! آخه تو که نه هنری داری، نه شغل درست درمون، نه درآمدی به چیه خودت می نازی؟! تو حتی عرضه نگر داشتی عشق زندگیت نداشتی! حق داشت ولت کنه بره دیگه! همون طور که من حق دارم برم به همه بگم باهاش چکار کردی! یادته حتی وقتی بچه بودی، دخترای خاله سکینه برای دماغت مسخرت می کردن و می خندیدن؟!» خانه پر شده بود از سکوت من و فریادهای او، اما چه می توانستم بگویم؟! مگر حرف بی منطق می زد؟! اشکی از گوشه چشمانش سر خورد که تصویر تمام دخترهایی که آرزو داشت من مانند آن ها بشوم، در قطراتش منعکس بود.

با صدای لرزانش گفت: «من صلاح تو رو می خوام! دلم می سوزه این قدر از همه عقب تری». داشت درست می گفت! کمتر بودم. از زور معده درد عصبی، به خودم پیچیدم و مثل همیشه دنبال توجیه و بهانه بودم. ولی اگر واقعا این طور که می گفت نبودم، توی خور خانوادم نمی شدم؛ خواهر کوچیکم برا خودش کسی شده و من هنوز دارم درس می خونم! در همین افکار و اوهام بودم که با صدایش به خودم آمدم: «چیه خب؟! دلتو خوش کردی به دو تا شال و کلاهی که هزار چندگاهی می بافی؟! آخه چند بار در روز باید بهت بگم که یه گوشت در باشه، یه گوشت دروازه؟!»





کربلا و ظهور

مهدی کیانی (شایق)

دوباره شور و نوای حسینیان برپاست *** دوباره در دل عشاق کربلا غوغاست
ز گوشه گوشه‌ی عالم پیاده‌ی عاشق *** روان به جانب صحن و سرای کربلاست
به دوش کوله‌ای از دل بریدگی ز جهان *** به قلب، عشق و محبت ز سیدالشهداست
تمام و عده‌شان اربعین کنار حرم *** چه اجتماع بزرگی، قسم که بی همتاست
جوان و پیروز و مرد از غنی و ضعیف *** ز فعل و حرکتشان عاشقی فقط پیداست
قسم به شاه شهیدان ظهور نزدیک است *** که اربعین حسینی زمینه‌ی فرداست
مصمم ار بشوند عاشقان ثارالله *** ظهور حضرت مهدی به عصر و دوره‌ی ماست
قسم که غربت مهدی بسی غم‌انگیزست *** هم او که حجت حق در تمامی دنیاست
میان کربلا و ظهور ای شایق *** رموز و رابطه‌ای هست کان به نزد خداست





«کنکور» دغدغه‌ای است که زندگی دانش‌آموزان را از اوایل دوره دبیرستان و چه بسا زودتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و تا زمانی که پای آنها وارد دانشگاه شود، ادامه دارد. البته کنکور فقط بچه‌ها و خانواده‌هایشان را نشانه نگرفته است، بلکه حواشی آن آنقدر گسترده شده است که از سال‌ها پیش مجلس شورای اسلامی به آن ورود کرد و تلاش کرد تا دغدغه‌ها را بکاهد اما واقعیت این است که همچنان صف داوطلبان پشت‌کنکوری شلوغ است.

عموماً در اختیار دانش‌آموزانی از طبقات پایین جامعه می‌باشند، چنان فاجعه‌ای است که حتی در لیبرال‌ترین جوامع جهان هم کمتر شاهد آن هستیم. همان شکاف عمیق اقتصادی و آموزشی حال حاضر که به نوعی می‌توان نامش را آپارتاید طبقاتی نامید که همچون موجودی همه‌چیزخوار به جان و بدنه آموزشی کشور وارد شده، در حال نابود کردن همه چیز است و ماحصل این اتفاق می‌شود قبولی فقط یک نفر از میان خیل عظیم و ۸۵ درصدی دانش‌آموزان مدارس کم‌بضاعت دولتی. پروژه پولی شدن آموزش در ایران در حالی به سرعت به پیش می‌رود که اصل سی‌قانون اساسی کشور بر فرصت‌های آموزشی رایگان و عمومی برای همه افراد جامعه تأکید کرده است.

آمارهای منتشرشده از نفرات برتر کنکور امسال نشان می‌دهد که رتبه‌های برتر امسال برای کسانی است که هزینه مالی بیشتری برای موفقیت در کنکور انجام داده‌اند، کسانی که به جای مدارس دولتی در مدارس خاص و یا مدارس غیرانتفاعی درس خوانده‌اند.

در حال حاضر کنکور به سمتی می‌رود که تمامی دانش‌آموزان فکر می‌کنند پول فاکتوری حیاتی برای موفقیت در کنکور است؛ در نتیجه کنکور در خدمت کسانی است که پول دارند. نظام آموزشی ما دچار یک نابرابری ظالمانه شده و این وضع در سال‌های اخیر بدتر شده است. متأسفانه هر ساله تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های برتر کشور از میان مدارس دولتی کم و کمتر شده و اوضاع به جایی رسیده که در کنکور امسال فقط یک نفر از مدارس دولتی در میان رتبه‌برترها قرار دارد. در آخر همه چیز ختم به یک سوال می‌شود و تنها با یافتن پاسخ این پرسش است که می‌توان معمارا حل کرد: «چرا کسی که پولدارتر است باید در دانشگاه بهتری تحصیل کند؟»

«مدارس استعدادهای درخشان: ۲۹ نفر، مدارس غیرانتفاعی خاص: نه نفر، مدارس نمونه دولتی: یک نفر و مدارس دولتی: یک نفر».

سهم مدارس از رتبه‌های برتر کنکور سراسری: «مدارس استعدادهای درخشان: ۷۲/۵ درصد، مدارس غیرانتفاعی خاص: ۲۲/۵ درصد، مدارس نمونه دولتی: ۲/۵ درصد و مدارس دولتی: ۲/۵ درصد».

سهم پوشش تحصیلی مدارس از کل دانش‌آموزان در کشور: «مدارس استعدادهای درخشان: دو درصد، مدارس غیرانتفاعی خاص: دوازده درصد، مدارس نمونه دولتی: یک درصد و مدارس دولتی: ۸۵ درصد». این روند حاکی از آن است که با وجود تغییراتی که هر ساله در آمار و ارقام تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به سال‌های قبل وجود دارد، چیزی که نسبت به گذشته تغییری نداشته است، تراژدی تلخ تشدید ضعف روز به روز مدارس دولتی و پیشتازی مدارس غیردولتی و خاص است.

از یک سمت مدرسی با شهریه‌های میلیونی، کلاس‌های فوق برنامه، مهارت تست‌زنی و معلم خصوصی که دانش‌آموزانی از طبقات بالای جامعه در آن‌ها مشغول به تحصیل هستند و از طرف دیگر مدارس دولتی با نازل‌ترین امکانات که

قربانی قصه غصه‌آور کنکور، دانش‌آموزان طبقات پایین‌تر جامعه‌اند که باید مصداق عینی آن را با انتشار نتایج کنکور مشاهده کرد. امسال نیز همانند سال‌های قبل با اعلام اسامی نفرات برتر کنکور یک بار دیگر اثبات شد که تمام آن‌ها، دانش‌آموزان مدارس خاص از سمپاد تا نمونه دولتی یا غیردولتی هستند و باز هم دست مدارس دولتی خالی است.

با اعلام اسامی چهل نفر برتر کنکور ۱۴۰۱ در گروه‌های آزمایشی مختلف، مشخص شد امسال نیز رتبه‌های برتر در تصاحب مدارس خاص است و از میان نفرات برتر کنکور امسال، صرفاً یک دانش‌آموز در مدرسه دولتی عادی تحصیل کرده است! ۲۹ نفر از مدارس استعدادهای درخشان، نه نفر از مدارس غیرانتفاعی و یک نفر از مدارس نمونه دولتی بودند!

استعدادهای درخشان و مدارس خاص غیرانتفاعی با پوشش سه درصدی آموزش در کل کشور، سهم ۹۵ درصدی از رتبه‌های برتر کنکور امسال را از آن خود کرده‌اند!

با اعلام نتایج کنکور سراسری، در میان اسامی چهل نفر از رتبه‌های برتر کنکور، لیست اولیه به صورت زیر است:



طعم تلخ وداع

زهراسلام پناه

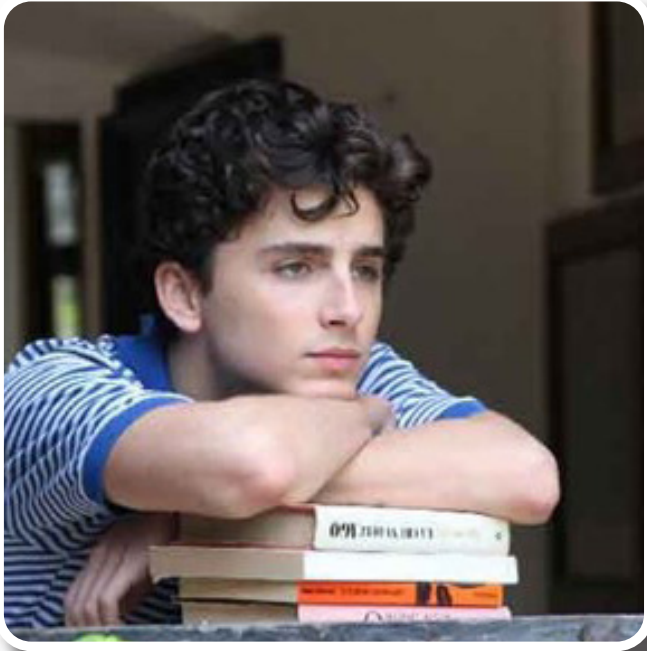
واینک قطار حلما برای دقایقی ایستاد...

مسافران یکی یکی با اندوهی در دل و غم‌هایی در چشمانشان پیاده شدند و در حالی که باد و دستشان خاک‌های لباسشان را می‌تکاندند دستشان را نقاب پیشانی‌شان کردند تا راهی که طی شده رابه خوبی ببینند و در همین زمان بود که تمام خاطره‌ی باهم بودنشان بار دیگر در مقابل چشمانشان رژه رفت. خاطره‌هایی از آمدن‌ها، خسته شدن‌ها، جازدن‌ها و در نهایت با تمام توان ادامه دادن‌ها. زنده شدن گذشته باعث شد خوشحالی فراغت و آزادی‌شان رابه کل به دست فراموشی بسپارند.

مسافران پیاده شده، نیم‌نگاهی به قطار میکنند: حلما این بار خالیست و منتظر برای رسیدن مسافران جدید و خوش ذوق؛ تا آن‌ها عاشقانه همسفرش باشند کسانی که قرار است همدیگر رانه فقط بادیدیک همکار بلکه به عنوان خانواده ببینند و با جمع شدن کنار هم خاطره بسازند و بهترین‌ها را برای خودشان و دوستداران حلما رقم بزنند.

درست مثل خانواده‌ی قبلی که الان طعم تلخ وداع را می‌چشند....





چرا برخی نوجوان ها یک روز عاشق و روز دیگر فارغ مے شوند؟

منتشر شده در رسانه جنس اول،
رسانه زنان، خانواده و زیست جنسی

۱۶

یکی دیگر از دوستانم می گفت: «الآن دوره و زمانه تغییر کرده است، نمی شود نوجوان ۱۸ ساله را که عاشق شده، زن داد! همه به ریشمان می خندند. بعد تازه زنش هم بدهیم، دو روز بعد پیشیمان می شود، آن وقت چه باید کرد؟» باز همین دوستم که در چالش پسرش قرار گرفته بود، از دیگران پرسید که آیا باید با این بچه همراه شود یا جلویش بایستد. ما همه در فکر فرو رفتیم، شاید تعدادی هم یاد نوجوانی خودمان افتاده بودیم و سرپرشوری که همه در دوره نوجوانی با آن تغییرات هورمونی دارند. اما واقعا با نوجوانی که به واسطه تغییرات هورمونی و عاطفی مدام دچار تغییر حالت می شود و ممکن است عاشق شده و روز بعد فارغ می شود، چه کار می توان کرد؟ بهترین نحوه رفتار با نوجوانی که به قول خودش شکست عشقی خورده، چیست؟

الگویا عشقش می شود و همان آش و همان کاسه می شود. صحبت از عشق برای همه گروه های سنی جذابیت دارد اما وقتی دوستم درباره پسرش صحبت می کرد، همه ما نگران شده بودیم. حتی یکی از دوستان می گفت: اصلا نمی تواند چنین چیزی را تحمل کند و اگر بچه اش در این شرایط قرار بگیرد، قلم پایش را خورد می کند! از این اصطلاح همه ما خنده مان گرفت اما واقعا چنین چیزی ممکن نیست و حتی اگر باشد، باعث واکنش های منفی از سوی نوجوان می شود که اوضاع را وخیم تر می کند. دو مرتبه دوستم ادامه داد و از همه تقاضای کمک کرد تا نظرشان را بگویند، حتی می گفت: «قدیم ها کجا این طور بود، مگر ما جرئت چنین ابراز وجودهایی را جلوی پدر و مادرهایمان داشتیم، بچه تا به سنی می رسید که کسی را می توانست دوست داشته باشد، یا او را شوهر می دادند یا زن!»

مدتی پیش با چند نفر از دوستانم که بچه های کودک و نوجوان دارند، میهمانی برپا کردیم و بعد از مدتها دور هم نشستیم. آن قدر که حرف از بچه ها بود از خودمان یادمان رفته بود اما چند نکته در بین صحبت های دوستانم ذهنم را خیلی درگیر کرد. یکی از رفقایم می گفت که پسر نوجوانش کلافه اش کرده است، چون مدام عاشق می شود؛ عاشق این هنرپیشه و آن خواننده، این بازیگر و آن شخصیت کارتونی.

وقتی از او پرسیدم چطور با این مسئله ارتباط برقرار می کند، پاسخ داد: کاری نمی توانم بکنم، سعی می کنم شرایط سنی اش را درک کنم اما وقتی هم دل به دلش می دهیم، تا آن سر دنیا می خواهد برای دیدن فرد مورد علاقه اش ما را ببرد. اما به هر حال، هر چند وقت یکبار یک شکست عشقی می خورد و مدتی در خودش فرو می رود، دو مرتبه یک نفر دیگر

نوع رفتار والدین با نوجوان، مدیریت کردن یا نکردن این دست عشق‌ها را تعیین می‌کند.

محتواهای مستهجن و نامناسب سن نوجوان پاک کنند. والدینی که هر محتوایی از ماهواره و فیلم‌ها را در اختیار فرزندانشان قرار می‌دهند، نباید انتظار بالغ نشدن زودهنگام فرزندشان را داشته باشند. بچه‌ای که هر تصویری را دیده و شنیده، قطعاً عاشق اولین فردی که در دسترش قرار می‌گیرد یا شاید هم افراد غیرقابل دسترس مانند افراد معروف داخلی و خارجی می‌شود.

متفقی درباره تنهایی بچه‌های امروز و عاشق شدنشان توضیح می‌دهد: «بی‌تعارف بچه‌های امروز خیلی تنها هستند، اغلب پدر و مادر هر دو کار می‌کنند و این هم عیب نیست اما تنها بودن زیاد آن‌ها باعث می‌شود که بچه‌ها دنبال سرگرمی‌های زیادی برای صحبت یا محبت کردن بگردند و با اولین نگاه و لبخند مجذوب جنس مخالف شوند و در نهایت هم درگیری یک رابطه عاطفی که مشخص نیست آخرش منجر به چه آسیبهایی خواهد شد. برخی خانواده‌ها هم قضیه را خیلی ساده برگزار می‌کنند، مثلاً می‌گویند: «بگذار عاشق شود، مگه ما نشدیم، آخرش همه این‌ها می‌گذرد و یک انتخاب درست می‌کنند یا چشم و دلشان سیر می‌شود! این هم یک نگاه اشتباه است؛ چراکه در پس این عاشق شدن‌ها هزار آسیب و فتنه نهفته است.»

مطمئنأ والدین می‌بایست این عشق‌های نوجوانی را به بهترین نحو مدیریت کنند که انشاءالله در شماره‌ی بعدی به وظایف والدین در برابر این نوع عشق‌ها خواهیم پرداخت.

مسائل روزمره ندارد و حتی کشمکش و درگیری با خانواده پیدامی‌کند، شاید عاشق شده باشد. پدر و مادر باید آن قدر تیزبین باشند که کوچک‌ترین تغییر رفتار فرزندشان را در نظر بگیرند و به جای درگیری با او، رابطه‌شان را صمیمی‌تر کنند تا نوجوان به آن‌ها اعتماد کند.

مدیریت عشق‌های نوجوانی

نوع رفتار والدین با نوجوان، مدیریت کردن یا نکردن این دست عشق‌ها را تعیین می‌کند. والدینی که در این شرایط فرزندشان را طرد می‌کنند یا مدام با هم درگیر هستند، نوجوان را بیشتر به سمت این عشق جذب می‌کنند اما والدینی که آگاهانه با نوجوان صمیمی و همراه می‌شوند، می‌توانند بحران‌های این دست عشق‌ها را کنترل کنند.

متفقی در این باره می‌گوید: عشق دوران نوجوانی باید با کمک والدین کنترل شود؛ پس رفتار والدین اینجا خیلی مهم است که در کنار نوجوان باشند و در مقابلش، درکش کنند و از صحبت کردن درباره او نهراسند. برخی والدین معتقدند که اگر درباره این مسائل با فرزندشان صحبت کنند، حرمت‌های بینشان از بین می‌رود. درحالی‌که این تفکر کاملاً اشتباه است. شما هرچه بیشتر با فرزندتان تعامل و تبادل نظر کنید، قدم‌های بعدی او را بهتر می‌توانید مراقبت کنید. پس قدم اول صمیمی بودن و دوم صحبت درباره این مسائل است.

بلوغ، تنهایی، عشق‌های نوجوانی

طبق تحقیق‌های انجام شده، بلوغ زودرس بچه‌ها می‌تواند عامل عشق در دوره نوجوانی باشد. نوجوانی که در حال طی کردن دوره بلوغ است از سوی والدین باید خیلی مراقبت شود تا ذهنش درگیر عشق و ارتباطات جنسی نباشد. والدین در منازلشان باید زمینه را از هر حیث در دیدن و شنیدن

عشق دوره نوجوانی از چه جنسی است و چه نشانه‌هایی دارد؟

تغییرات کودکان با رسیدن به دوره نوجوانی شدت و سرعت بیشتری می‌گیرد، این تغییرات شامل تفاوت‌های شدید جسمی و روانی است که باعث می‌شود بچه‌ها حالت‌های دگرگون و متنوعی را در وجودشان تجربه کنند. از تمایل به استقلال طلبی و پیوستن به گروه دوستان تا علاقه بیشتر به بیرون از منزل همه باعث می‌شود که اتفاق‌های جدیدی را تجربه کنند و جنس مخالف را طور دیگری ببینند، طوری که یک مرتبه باعث علاقه زیادشان شود، چیزی که تا قبل از آن اصلاً تجربه‌اش نکرده‌اند و باعث حس و حال خوبشان می‌شود.

طبق گفته روان‌شناسان، این حالت عشق نوجوانی به یاد ماندنی‌ترین خاطره برای نوجوان است و نحوه مواجهه والدین با این پدیده باید هدایتگر باشد تا مقابله‌کننده.

سید محمد متفقی روان‌شناس، در این باره می‌گوید: نخستین نکته‌ای که والدین باید در نظر بگیرند این است که عشق دوره نوجوانی پدیده‌ای کاملاً طبیعی و شایع است که اگر با درک و اطلاعات درست از سوی والدین پاسخ داده نشود، بچه‌ها این دوره‌ی حساس را با بحرآن‌های زیاد می‌گذرانند. نکته دوم این است که والدین باید شرایط دوره نوجوانی و علائم این عشق‌ها را بشناسند تا بتوانند سلامت روانی فرزندانشان را تأمین کنند. والدینی که در این زمینه آگاهی ندارند هم لازم است که مطالعه کنند و هم به مشاور نوجوان مراجعه داشته باشند.

نوجوانی که علاقه زیاد به تنهایی و استقلال از خانواده پیدا کرده است، بی‌قرار یا دچار تغییرات ناگهانی رفتاری شده است و در صحبت‌هایش به ازدواج علاقه‌ نشان می‌دهد، گاه افت شدید تحصیلی او گزارش می‌شود، هیچ تمرکزی بر

بفرمایید کتاب

روزے کا
زندگے کردن
آموختن

فائزہ طاہری



W

- اواخر زندگی‌اش متوجه شد که بیشتر مشکلاتش فقط نتیجه طرز نگاهش به دنیا بود.
- خیلی وقت‌ها جنگیدن ما، چیزی که باهاش می‌جنگیم روتقویت می‌کنه .
- وقتی که خودمون رو درست شناسیم، می‌ذاریم که تصورات و افکار باطل زندگیمون رو اداره کنند.
- هرچه رامی‌خواهی در درونت جستجو کن .

در لحظه زندگی کردن؛
مهم‌تر از فکر کردن به کل خود زندگی
است.

جاناتان، شخصیت اول این کتاب که به تازگی از همسر خود جدا شده است و در زمینه کاری هم با شرکای تجاری خود به مشکل برخورد کرده است، روزی در ساحل از زنی کولی خبر ناگهانی مرگ قریب الوقوع خودش را می شنود و سپس بعد از گذراندن دوران اندوه خود، در سفری همراه با خاله اش به این نتیجه می رسد که زندگی چیزی جز در لحظه زیستن نیست.

بها هم جملاتی از این کتاب را بخوانیم:

■ زندگی به سرعت باد گاهی
ما را وادار به فراموشی کسانی که
دوستشان داریم می‌کند.



Laurent Gunnell
French

این کتاب نوشته لوران گونل در جهت یافتن راهی برای داشتن زندگی شادتر و موفق تر و آموزش در لحظه زیستن است. لوران گونل فرانسوی الاصل که بیشتر در نوشتن کتب فلسفی دست دارد، با تلفیق مباحث فلسفی و جامعه شناختی به نوشتن این کتاب پرداخته است. داود نوابی مترجم این کتاب با همکاری نشر نون، به ترجمه این کتاب پرداخته است.

زهرا عرفانیان

ممنوعه های معلمی

در هر شغلی، محدودیت ها و ممنوعیت هایی وجود دارد که انجام آن ها باعث تخریب جایگاه و منزلت انسان در آن شغل می شود.

در اینفوگرافیک این شماره به بررسی ممنوعه های شغل شریف معلمی می پردازیم که رعایت آن ها می تواند ما را در اداره ی بهتر کلاس درس، یاری نماید.



۱ دوست شدن افراطی با دانش آموزان، معلمان را در شرایط سختی قرار خواهد داد و کنترل و مدیریت کلاس را دشوار می کند؛ البته دوستی لازمه تدریس موفق است اما نه به صورت افراطی.

۲ تحقیر کردن دانش آموزان، یک تکنیک ناپسند معلمی است که می تواند دانش آموز را عصبانی و بی اعتماد کند و همچنین دانش آموزان به فکر تلافی افتاده یا به کل از آن درس فراری شوند.

۳ توقف درس و درگیر کردن دانش آموزان به مسائل کم اهمیت باعث می شود دانش آموزان از درس دور شده و جایی برای رقابت سالم باقی نماند.

۴ سپردن کنترل به دست شاگردان کار مناسبی نیست و باید هر تصمیمی در کلاس توسط شخص شما اتخاذ شود البته این به معنای نشنیدن پیشنهادات و انتقادات نیست.

۵ استفاده از یک روش تدریس می تواند دانش آموزان را کسل و خسته کند و باعث شود توجه و دقتی که باید به درس داشته باشند از آن ها سلب شود.

۶ غیبت از همکاران نزد دانش آموزان کار اشتباهی است و دانش آموزان را بدبین می کند؛ حتی اگر دانش آموزان از همکاران گله کنند شما تأیید نکنید و ایده هایی که دارید را با مدیر مطرح کنید.

۷ برخورد متفاوت با شاگردان می تواند حسادت را در دانش آموزان بیدار کند؛ شما می توانید دانش آموزان را بیشتر دوست داشته باشید اما باید سعی کنید این اتفاق رخ ندهد و رفتارهای شما کسی متوجه این موضوع نگردد.



کوه حکمت و
استدین